



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دکتور ملک ستیز

پنجشنبه ۱۴ اپریل ۲۰۲۲

ایرانی های عزیز، شما ای که ما را «افغانی‌ها» می خوانید!

آن جوانی را که تا مرز مرگ می زنید، چندین بار مرده تا جسدش را به سرزمین شما رسانیده است. او را یک بار انقلاب آتشین ثور، بار دوم انقلاب اسلامی خمینی، بار سوم انقلاب مجاهدین، بار چهارم انقلاب لیبرالیسم امریکایی و بار پنجم انقلاب امارتی گُشت. آن جسدی است که پنج بار شهید شده است. مگر در آیین شما شهید را اهانت می کنند؟

آن کودکی که پنجه های خون آلود تان را بر دور حلقومش تنگ و تنگتر و خفقان می کنید، شهید کربلاست که میدان گرسنگی، تشنگی و فقر جاننش را گرفته است. مادرش را روس‌ها، پدرش را امریکایی‌ها، خواهرش را پاکستانی‌ها و برادرش را ایرانی‌ها تیرباران کرده اند. مگر در آیین شما فرزندان حسین را می کشند؟

آن پیرمردی را که با سیلی به رویش می کوبیدید، شب‌ها سخن رانی‌های خامنه‌ای را از رادیو گوش می کرد. به ملت شما باور داشت. می گفت ایرانی‌ها با ما پیشینه، زبان و عقاید مشترک دارند. او به شما رو آورده بود و باور داشت. مگر شما سخن رانی های حضرت علی را در نهج البلاغه از یاد برده اید؟

می دانید که امریکا و اروپا پر از مهاجرین ایران است. در میان مهاجرین ایران کسانی هستند که انسان می کشند و جنایت های سازمان یافته را براه می اندازند. اما میلیون‌ها مهاجر پر افتخار ایرانی در این سرزمین ها زندگی می کنند. کسی، همه ای ایرانی‌ها را «فرزندان تروریزم» نمی خواند. چون در این جوامع احساس وجود دارد. جرم یک عمل شخصی است. کسی همه ای ایرانیان را در اروپا و امریکا جنایت کار خطاب نمی کند. ببین تفاوت فرهنگ اجتماعی را! مگر شما از فردوسی، حافظ، سعدی و خیام چه چیزی را به نمایش می گذارید؟

با این زبانی که من با شما سخن می گویم، روزگاری مولانا جلال‌الدین محمد بلخی گفته بود:

بیا تا قدر یک دیگر بدانیم
که تا ناگه ز یک دیگر نمانیم
چو مومن آئینهٔ مومن یقین شد
چرا با آئینه ما رو گرانیم
کریمان جان فدای دوست کردند
سگی بگذار ما هم مردمانیم
فسون قل اعوذ و قل هو الله
چرا در عشق همدیگر نخوانیم
غرض ها تیره دارد دوستی را
غرض ها را چرا از دل نرانیم
گرفته شده از فیسبوک

